

244  

---

79

Қазақстан Республикасының Ұлттық Ғылым және Әдебиет Академиясы  
Қол жазмалар фонду  
Инв. № 53  
Қазақстан Республикасының Ұлттық Ғылым және Әдебиет Академиясы  
Дулиштардың және экономайстерлердің институты







اشهد ان محمدا رسول الله ثم قال حي على الصلوة قال لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ثم قال حي  
عيا افضل قال يا شاة اسكان ثم ثلث لم يكن ثم قال اسد كبر اسد كبر قال اسد كبر الله كبر ثم قال الاله

پس بجای یک عتقا دکنه بند همی امرو نهی را بدش و اقرار کند  
بزیانش باشد ایام بنده صحیح باشد مو من کل چهار نوع  
استیخار فرض است اول استیخار جنب دوم استیخار زن که  
از حیض پاک شود سوم استیخار زن که از نفاس پاک شود چهارم  
استیخار کسی که زیاده با از قدر دوم شری هستن بی هم فرض است  
و در طهارت چهار چیز فرض است اول شستن بر سر از میدان  
مور شبانه تا زود منده زین زنده گوش تا باین زنده گوش دوم  
شستن در دست و پاره آبرج سوم مسح کشیدن چهارم یک چهارم  
شستن در پای و در کل سه چیز فرض است اول  
شستن در بدن دوم شستن بینی سوم شستن تمامی بدن  
چهارم شستن پاها پنجم شستن سینه شستن گردن و دست  
سبب دوم بر آمدن منی بقی شهوت سوم احتلام است  
سبب چهارم پاک شدن از حیض سبب پنجم پاک شدن از نفاس  
و در تیسریم چهار چیز فرض است اول نیت دوم  
فصد رجاک پاک کردن سوم بیض سر زدن

قال لا اله الا الله  
قلنه دخل الجنة  
قال رسول الله صلي الله  
عليه وسلم قال من  
سمع الله الا هم

قال رسول الله صلي الله  
عليه وسلم قال من  
سمع الله الا هم  
قال رسول الله صلي الله  
عليه وسلم قال من  
سمع الله الا هم

فصل في الاستغفار  
الاستغفار هو التوبة  
والتوجه الى الله  
بطلب المغفرة  
والتوجه الى الله  
بطلب المغفرة

داشتن چهارم نبوت یعنی نامی پنجمین ما تقدم ابرحق نسبت پنجم معروف یعنی آنچه خدا تعالی امر کرده است بجا آوردن ششم نبی که نبی آنچه خدا تعالی امر کرده خود روز دهم هفتم خوانده است

از برای مسج روی چهارم کیضرت ان برای مسج و دست  
مسج اربع و در ششم جنبیت طهارت کفایت میکند  
در نصاب علیه الفتوی و در هدایه بهو الصبح و در وقت از  
دوازده فرض متفق علیه است اول آب پاک دوم جای پاک  
سوم جامه پاک چهارم وقت پنجم نیت ششم قبله هفتم  
تکبیر تکبیر ششم پیام نهم قنات نهم رکوع یازدهم سجود  
دوازدهم قعدۀ خیر مقدار التعمیرات خواندن تا عهد و رسوله  
ستر عورت نیز از فرض متفق علیه است فروع خلافیه پنجست  
اول ترتیب دوم پیرن آمدن تا زکوات اربعه خود شش سوم  
ازین بر رکوع و در سجود چهارم قومه پنجم جلوسه و اقامه ابویوسف  
و اقامه شامی جهنم و شراط و در شدن کوفه هفتست اول حریت  
دوم بلاغت سوم عقل چهارم اسلام پنجم نصاب ششم که نشستن بر پا  
هفتم غیر از فرض صلح نصاب این نیت زکوة وقت دادن  
یا وقت جدا کردن و نیت است ادا کردن زکوة بمصرفش نیز  
فرض است و مصرف زکوة نیز هفتست اول فقیر مردم

یعنی در نصاب نصاب  
در وقت از  
دوازده فرض  
متفق علیه است  
اول آب پاک  
دوم جای پاک  
سوم جامه پاک  
چهارم وقت  
پنجم نیت  
ششم قبله  
هفتم تکبیر  
تکبیر ششم  
پیام نهم  
قنات نهم  
رکوع یازدهم  
سجود دوازدهم  
قعدۀ خیر  
مقدار التعمیرات  
خواندن تا عهد  
و رسوله ستر  
عورت نیز از  
فرض متفق  
علیه است  
فروع خلافیه  
پنجست

سند است نصاب  
طهارت کفایت  
کند در نصاب  
ابو یوسف  
و اقامه شامی  
جهنم و شراط  
و در شدن کوفه  
هفتست اول  
حریت دوم  
بلاغت سوم  
عقل چهارم  
اسلام پنجم  
نصاب ششم  
که نشستن بر  
پا هفتم غیر  
از فرض صلح  
نصاب این نیت  
زکوة وقت  
دادن یا وقت  
جدا کردن و  
نیت است ادا  
کردن زکوة  
بمصرفش نیز  
فرض است و  
مصرف زکوة  
نیز هفتست  
اول فقیر مردم

در بیان نیت در نیت

ای برادر از سال قبل فیضه یاددا ؛ تا بهشت عن یا به اندران در شمار  
هفت یا مان پنج ششم شش اندر غار ؛ نسیل و در ضود در ششم چهار چار





ماز پیشین وقتیکه بر من دست روی آوردهم بقبله قلبه من جمله کعبه خالصه تعالی اندا که  
بسیار از دیگران است که در هر حال که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که در هر وقت که

و اینست بعد موت یعنی بیان کبلیت و دم الله تعالی اینست  
فرشته لا رقیبه و کما بلا رقیبه و پیغمبر لا رقیبه و قیامت که نیغه و قیامت  
تقدیر یعنی کیم اند خیر یعنی شیر یعنی خوشی یا یعنی خدایان بود و روان  
او گمانیدین گمان تیر گوزمانه حق درست و فیصل الله ما یشاء و حکیم  
مایر یعنی قیله و الله نه هر نیمه که خواهد الله حکم ایما بر نیمه که اراده  
آیه و مختصر ان بقول امر الله الله بقبله و ما نه اعنه اهمیت  
یعنی ایمانی مختصر بود و در که بنده نیمه که خدا تعالی هر نیمه  
هر قیلب و در انه بقول قیلبم و هر نیمه دین که نهی قیلب و در  
اندرین از دم نه ساقلا هم دیده فاذا اعتقد ذک قلبه اقر قلبه  
کان یا نه صحیح او کان مننا با کل لبی وقتا که بنده او شنیده  
دیده او از بنیله اقر قلبه ایانه صحیح و مومن همه ما مورا  
و نهیادی فضول عمادی من بغضه فضول عماد کتابند منقول و در  
نورت نوع استنجاف ضد و اول جنب استنجاسی استنجاسی  
جیض نیا پاک بولغان جاتون استنجاسی او جیضی نفسان دین  
پاک بولغان جاتون استنجاسی تو جیضی نجاستی که مقصدین

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى  
الذي بعثه الله فينا  
مباركاً ورحمته  
واسعاً وفضله  
عظيماً

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى  
الذي بعثه الله فينا  
مباركاً ورحمته  
واسعاً وفضله  
عظيماً

بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى  
الذي بعثه الله فينا  
مباركاً ورحمته  
واسعاً وفضله  
عظيماً



بر من است در آوردم بقبله قبله من جهت گفته خلاصه تمام است که در نیت

کردم بگذارم سه کعبت نماز و در ایستادگی بر من است در آوردم بقبله قبله من جهت

خالصه تمام است که در نیت  
نماز عید رمضان  
نیت کردیم بگذارم در وقت  
یک سینه شش سینه بقیه قبله  
روی آوردم بقبله قبله من  
جهت کعبه اقتدار کردم با هم

درهم شرعی مقدار بدین باوه بوسه بپوشانند که تورت  
فرض شود اول پنج یوماق بشانند نه نور از گمان بی روی دین  
قولی است پیغمبر و اندیز این نیکاک است پیغمبر که پنجمی قول باقی ای  
تیر سکه پیغمبر او چو پنجمی باشد یعنی توترین بر پیغمبر تا رفاق تو تو پنجمی  
ایکی ایامی تو پو پیغمبر یوماق پیش او ده اوج فرض تو در اول غیر نه  
یوماق که پنجمی بودنی یوماق او چو پنجمی تمام بدفعه سو میگویند عمل در فرض  
ایگو چو سید بل بپوش در اول ایضا در طهارت یعنی که پیشی نیت  
ذکر نی باشدی جانون کیشینی اندامی بفرستد که پیشی آب منی یا بر سر له  
خانوزین است بر له ببلو او چو پنجمی که سلام تو تو پنجمی جانون  
کیشینی چو پنجمی تو خناسه پنجمی جانون کیشینی تو قنارین سو سنگ  
قانه تو خناسه بپوش نیم بر له غسل ایباک فرض تو در نیت هم  
تورت فرض در اول نیت قبله ای پنجمی که نفرانی قصد ایباک او چو پنجمی  
یوندر مسیح بنق او چون بر ضرب باق تو تو پنجمی ایکی قول مسیحی او چون  
بر ضرب باق تو تو پنجمی که شش پیغمبر نیتی نیت قبله کعبه قبله  
نصاب ده او شش بوز علیله الفتوی دهد ای که کعبه

خالصه تمام است که در نیت  
نماز عید رمضان  
نیت کردیم بگذارم در وقت  
یک سینه شش سینه بقیه قبله  
روی آوردم بقبله قبله من  
جهت کعبه اقتدار کردم با هم

نیت کردیم بگذارم در وقت  
نماز عید رمضان  
نیت کردیم بگذارم در وقت  
یک سینه شش سینه بقیه قبله  
روی آوردم بقبله قبله من  
جهت کعبه اقتدار کردم با هم





# طهارت در شك قبلای هر کیم نه اذرا یا نمانده شکلی بولسه من ایما هسند

و هر کیم نه اوز نه مهسید شکلی بولسه اهل هسنت یا هسند و شک از باغ نرسه برود که نو گل خطا نم

حلال مکان بر که غلبه بکلی یعنی هر فرض در آب کسبچی زرق نه  
 خدا تعالی دین بسلامت او چونکی الله تعالی نه هسنتیغه رضی بولما قد و  
 نور تو چونکی ماد همیکه طعام قوت نه موند و در معصیت قبلای غای صحابه  
 و تابعین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و اتفاق برله کتاب  
 حق دین و حدیث دین از خدا یلاب عمل قبلایان برود و لا فرض عین  
 لارغه عمل قبلای فرض و در الله متعالمه مستحکم و موفق قبلای امین

## نارده گیر مه و اسربار دو

الذی بی سی عام و اون توره خاص و اول تری که عام دور  
 بر نهی تکبیر تجریده الله کیر و بقیاق اچونچی قعد اولی او چونکی قعد  
 اول بر قعد نمانده اچیتا اوقیا تو چونکی کوع لبر سجد و تبریح مقدمات  
 آرام الماق پیشتهی هر بر فرض اوز بر نهی قیوتق اچونچی هر بر و اسربار  
 غیره کیتور باق پیشتهی نار خون نار دین لفظ سلام لبر جهنم اول اول  
 توره که خاص بر نهی اولقی یکی کس قعد ات چون تعیین قبلای اچونچی فرضی  
 اولقی یکی کس قعد فایزه تعیین قبلای اچونچی فاتحه لبر بار اوقوت

تور از الله برود و در  
 مزار الما صبح هر روز  
 ۱۰۰ بار  
 باشد که ماق بر ک  
 او شکلا ماق کیم  
 شکست برله حکم  
 تا اگر کیم سلطان  
 بولسه در وقت  
 اینک برله ناز ادا  
 ممکن

و اوست تکبیر و فرض  
 کلاه شکست برله  
 ممکن بولما بر دور  
 اگر کیم اسربار  
 ناز اچونک شکست  
 ناز بر سر خط  
 سن اولی بولما  
 اولی بولما  
 اولی بولما

نارده گیر مه و اسربار دو  
 ناز اچونک شکست  
 ناز بر سر خط  
 سن اولی بولما  
 اولی بولما  
 اولی بولما

آله لایفه کیلیدی ای دی یا محمد است لاریغله هر بخته کیلتور و بد و درین اول اولدور که  
هر چی کن طهارت قلیسه لاریغیان لاریغله هر آفرجه سوسا چهایلدن زیدو که لاریغله نمازده

تور بونجی فاخته اور اوج قیسه تیب یا در است مقدر بضم سو قلیمان  
بشنجی فاخته نه سو درین اول اوقواق او بوشن و اجرت حب او بون  
کیمر سه غده واجب است بونجی فاخته فاخته اوقواق بونجی فاخته  
اوقوید و درین بونجی فاخته بونجی فاخته بونجی فاخته بونجی فاخته  
مقدر اوقواق قلیغازه خاموش توغرا اوقواق مقدر اوقواق نه حاله لایسه  
انگامای بولغای اگر چند یکه نازدین حسنا بولمان اوقواق بونجی فاخته  
تنگا لاریغله بونجی فاخته اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
رکوعی اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
بولغان سبزه واجب ده بولور یا هتم اولدین بولغان عامی صورت  
بولور البته سبزیل که اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
ناز بونجی فاخته اول مطلق آوینر اوقواق بولور اوقواق اوقواق  
بولسون و یا آرز بولسون اگر چند یکه قصد برله یا سهو برله ایکی  
حرف طهارت بولسون اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
کولماق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
مجلس بولسه تور بونجی فاخته فرض لاریغیان بونجی فاخته

سوسه قیلا دورغان  
شیطان تور بونجی فاخته  
بونجی فاخته سوسه قیلا دورغان  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق

طهارت اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق  
اوقواق اوقواق اوقواق اوقواق

کلیمن راق قیلا دورغان  
باشقه اوقواق اوقواق  
دا اول اوقواق اوقواق  
صلوة کسودیه طهارت اوقواق  
قیلان با بند ۱۲۰  
صلوة کسودیه طهارت اوقواق  
صلوة کسودیه طهارت اوقواق  
صلوة کسودیه طهارت اوقواق





بعد یک بار از زلزله یکبار سوره نوح بخواند و ده بار سوره اخلاص دده بار صلوات  
بر روح پاک آنحضرت صلی الله علیه و سلم بفرستد اگر تواند سوره یس

خواهد بود ما بولما بدو زین سوره بخواند یعنی بعد از یقین با رقیبا خوبی دور  
 و اول یکی صفتی که سبلی بود بر سر بود و در که الله تعالی که دیگر  
 ای دور به شکر بود مانند ای دور که سبلی بود و در که الله تعالی  
 عیب دین پاک ایرود شش کلمه دینی اول  
 کلمه طیبه گفتن است که لا اله الا الله محمد رسول الله دوم  
 کلمه شهادت گفتن است که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان  
 محمد اعبد و رسوله سوم کلمه توحید گفتن است که لا اله الا  
 الله و جد لا شکر الا لله الملك الوهاب و سبلی و سبلی و سبلی  
 حی الیوم بید انجیر و هو علی کل شی قدر چهارم کلمه توحید گفتن است که  
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة  
 الا بالله العلی العظیم ماشا الله کان و ما لم یکن سبلی  
 کلمه استغفار استغفر الله استغفر الله استغفر الله تعالی  
 من کل ذنب انتمبه عمدا و خطا رسرا و لایته صغیرا و کبیرا و اتوب  
 الیه من الذنب لانه اعلم من الذنب لانه اعلم انک انت اعلم  
 اعیوب ششم کلمه رو کفر اللهم انی اعوذ بک من ان اشکر

دوره اینها را که  
 نسیه بخواند و نوب  
 آنرا بوج مال قبر

بخشید در دعاهاست  
 از رواج ایشان طلب  
 و السلام بالصواب  
 تمتمت



اشرك بك شيئا وانا اعلم وانه تفكر لما لا اعلم انك انت  
 علام الغيوب وبار اعيوب و غفار الذنوب لا حول ولا قوة الا بالله  
 اعلى العظم ماشا الله كان وما لم يشا لم يكن بناي سبلاني بر  
 پنج نوع است اول كثر شهادت گفتن است كه شهدان لا اله الا الله  
 و شهدان محمد اجد و رسول و دوم بخوقت نماز گذاريدن است  
 سوم روزه ماه شيفر رمضان است چهل مرتبه زكوة مال  
 دادن است پنجم طواف خانه كعبه كردن است هر كرا قدرت تو امانه  
 باشد مرزاد و در احله نيت نماز جنازه چنين نيت كند كه  
 نيت كردم بگذارم چهار تكبير صلوة جنازه را تا مريض ادرود  
 محمد مصطفى او ايش رخ بشيدم مرا اين نيت حاضر آمد روى  
 آوردم بقبيله قبله من جهت كعبه افتد كردم باين امام حاضر  
 ايساده خالصا لى الله اكبر سبحانك اللهم و بحمك  
 و تبارك اسمك تعالى جدك لا اله غيرك الله اكبر گويد صلوات  
 بخواند اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت  
 على ابراهيم و على آل ابراهيم محمد مجيد اللهم بارك على

دعاي قنوه  
 اللهم انى استعيناك  
 و استغفرك و نعوذ  
 بك و نعوذ

عليك و نعوذ بك  
 انما نعوذ بك و لا  
 نكفرك و نخلع و نترك  
 من يقول اللهم انى استعيناك

و نعوذ بك  
 اللهم صل على محمد  
 و على آل محمد  
 و نعوذ بك  
 و نعوذ بك  
 و نعوذ بك



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد حمد خدا بیعت خدا  
 بطن بر قوا اعتسار  
 احوال و عقده و مین بطن  
 غمزه و آید و مین و نایا  
 و در وقت بقیه جناح ساز  
 فتح و غزال و جگر آید  
 با مقتدر گشت مضموم  
 چون کس که شوق نظر کشا  
 سازد سخن و در مانتوح  
 یک از روزها سر استعلا  
 یا که آن کس که غرضی شد  
 مثل این سخن چون خدا  
 جز صفت تا و با الف  
 کشن صفا که در خط  
 چون در وقت صلوات  
 بر قطب خط خط استعلا  
 و در اصل این کتب بود

نفت سحر و بطل دریا  
 نول نوبن در آن کین  
 سوسن و بجا درین خطا  
 سکه درین خط درین خط  
 که شود سخن در بیاید  
 در بدو کس که شوق نظر  
 بنا سخن را بر خط  
 بین کتاب که در کسو  
 یا که مضموم یا محو است  
 یا سخن در کس که در صفا  
 مثل ارجح و مال صفا  
 که بر بخت نبردین مال  
 یا سخن در کس که در صفا  
 چندی در اول سخن در  
 و در اول سخن در کس  
 و در اول سخن در کس

بطن بر قوا اعتسار  
 احوال و عقده و مین بطن  
 غمزه و آید و مین و نایا  
 و در وقت بقیه جناح ساز  
 فتح و غزال و جگر آید  
 با مقتدر گشت مضموم  
 چون کس که شوق نظر کشا  
 سازد سخن و در مانتوح  
 یک از روزها سر استعلا  
 یا که آن کس که غرضی شد  
 مثل این سخن چون خدا  
 جز صفت تا و با الف  
 کشن صفا که در خط  
 چون در وقت صلوات  
 بر قطب خط خط استعلا  
 و در اصل این کتب بود

از پس هم ساکن ای می آید  
 در دو حرف مد و در دو حرف  
 میسم را رز و وقف لازم دان  
 ز رز بجز بوز و وقف که نه ندا  
 وقف وصل رز و وقف وصل بود  
 وصلی وصل استمار اولی  
 خصیت آید بوقف ضیق نفس  
 جان و نفس او بوقوی  
 چون شود ضم آیه مزدگر  
 هست شرط از وقف و او  
 یا عنین بیکت جنس  
 یا و هارا نمیکنند املا  
 طب اشارت بآیه بصر است  
 شد در وقف زمره فضلا  
 یازده سوره است در قرآن  
 کشف انعم نبیا و سیبا  
 مینه با قتال الیهکم  
 علق حج و بیک اولی  
 باز در سجدتین بیک شمال

دال در ال و همچنین در تا  
 لام قلم بچو لام بل مدغم  
 طلبا بالوقف مطلق است ایما  
 بس لوع و وصل اندر و راجح  
 نزد بعضی زهم نیست جدا  
 مووقف بوقف تنفس دان  
 وقف از حرف صانه برجا  
 وجه ای بسو و وقف بود  
 حکم آن نمیکنند پیدا  
 چون شود مال بصره کوفه  
 یا نویس اگرگزین بل صفا  
 بهر کوفه بود بهره پنج  
 لبقیض در سجدت معنی  
 در نشانه زایه مدنه است  
 که در وصل بسمکه است اولی  
 سوره ابحاقه علق فاطر  
 علس تبت دو ویل و ولا  
 نقل قرآن نجم و شقت  
 جمله در سب بگفته فقها

تا نایت بکن اوقام  
 شد در حرف لام هم در را  
 بجم رز و جواز و وقف که  
 رز لا و وقف جهنا شد لا  
 قاف مشر بضعف و وقف بود  
 وقفه سین سکوت است هم جا  
 کاف در حکم بان است قلا  
 وقف ان حکم آیه تنها  
 یک چون لا آیه جمع شود  
 مستفق ثبت کن بهره یا  
 در زمانه که مختلف شدند  
 آری خست بهر بصران املا  
 یک مخصوص آیه کوفه است  
 که بکنی زای می ست  
 فاتحه قارنه تسبیحین  
 در نه دیگر است قطع استرا  
 سجد در رز و بصل است  
 صادر عرف سابق طه  
 بهر عبد اگر دوز که دم نظم

بعای حضرت مولی	تا شود مستفید ازین آیت	حق رساله بمقصد قضی
<p>بسم الله الرحمن الرحیم  وزیر نفس بچند و صلوات  مخرج حرفها کنیم بیان  شازده مخرجت اگر خواهی  بر سر حرفت کنی بخوان  هر حرفت مخرجت بخلق  عین جانیت گفت عین  نزد بعضی لغت خوف بود  فان از منتهای کام زبان  غلتی قاف کاف شد عکس  عکس آخرش سر در بان  از کما زبان نسیج و بان  یک از سوسو بود آسان  مخرج نون هر زبان آمد  یک با اندک از پشت زبان  مخرج طو دل تا شده است  سر سهان پیش علوم گان  از کن تندی بین ز فوف</p>	<p>بعد محمد مرید دو بهمن  بروزان سول با بیان  و مخراج خلاص سیرت  هشتای خروج حرفت از  چون سلخ ال ای  اول اوسط نهایی آن  غیر جائیکه صا نقطه  بدگر قول از هوای من  مخرج کاف نیز چون کاف  اهور بر دور هم نشانی  مخرج جیم وین یاقین  وز طو چون از رضا بدن  از کن زمان آخر کام  با عدیل است بین آسان  لام بانون ابودلشوی  بیخ دندان پیش راس  صا با زاویدین ملی باید  داز زلق اندک بر تران</p>	<p>سامع حرفت کما در نهان  گوش کن تا بیا بر توفیق  آنچه بجهورفته اند بران  همزه فتحه دار را آور  باقی بیدین قیاس بدن  الف با همزه از قضی است  ز اول حلق میشود بیان  مخرج فرجه است شمرده حرف  یکت بکلمه است بر تران  غلیصه اول لهات بود  وسط کاست با میان رس  از صورت یا زجان حبیب  حرف لام است از فرید زان  مخرج راو مخرج نون است  لنه حکمت در بین دندان  بود از تیز زبان دیگر  که بهانه تو فرجه بمیان  ذال با ظان بدون آید</p>

وان لغزیز زبان بچین

چار حرفت در مخرج است

نات ذغال بپیان

سندل از چشم نامور

واو بکیم باز وسط این

مخج آنمین باغ بود

بشم توین نین ایجا خون

چونکه ساکن با بیدار افعال

مثلن جا کم و یوما کن

مجملا که ز نام دنیا سندا

بستیم حضرت حرمین

چون بنا بر ما عیاش ارباب

صنع احکام که طو حردان

چا که دیگر تو حدیث است

یکت بود بعضی زینان

بر کین نام چار دندان است

خبر طو حردی سده است این

دان شایا چهار شمشیر

دو بود و سه بقیه جهان

بعد انک است دندان است

کرده نظرش شش سندان

ایچمل است در تاریخ

در بیان مخرج از دندان

را بد نشسته لبها میجوید

کلی از عجم حضرت عفران

رنا اغفر لنا خطایانا

انک است جان بپیان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبارک و تعالی الابدان

تعالی حیده عن فی الکالی

صدرا و اکرم و باد شاهین

منگاتیل بر سبک ایند شاند

من بیای کبریا جبر صطفی درین

الهی بزرگ شمع صفای

ای و درین هر دو عالم بند برور

که نو مبد اینت من عاصی گدرد

محبی که در هر دو عالم

شبیخ امین و عاصیان

محبی که در هر دو عالم

یتادول بر ما اثری جان